

مجله علوم تربیتی و روانشناسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم - شهریور ماه ۱۳۸۵

بررسی ارتباط خود پنداره و عزت نفس در دانشجویان خلاق و غیر خلاق

دکتر احمد یارمحمدیان*



چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی رابطه خود پنداره و عزت نفس در دانشجویان خلاق و غیر خلاق است. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز تشکیل داده اند. نمونه تحقیق شامل ۱۰۰ نفر دانشجو از بین دانشجویان کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز بودند که به طریق جدول اعداد تصادفی از بین گرایش های مختلف انتخاب شدند. ابزار سنجش در این تحقیق، آزمون خلاقیت عابدی جهت تمایز دانشجویان خلاق از غیر خلاق و آزمون خود پنداره راجرز جهت سنجش متغیر خود پنداره دانشجویان بود. همچنین جهت سنجش میزان عزت نفس آنان از آزمون عزت نفس کوپر اسمیت استفاده گردید. در این پژوهش از روش های آماری میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی برای نمونه های مستقل و تحلیل واریانس چند گانه استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که: میان نمرات میانگین خود پنداره و عزت نفس دانشجویان خلاق و غیر خلاق تفاوت معنا داری وجود دارد. همچنین این نتایج نشان داد که دانشجویان خلاق نسبت به دانشجویان غیر خلاق، نمرات بهتری در دو متغیر خود پنداره و عزت نفس کسب کردند. در مجموع نتایج نشان داد که بین خود پنداره و عزت نفس هر گروه رابطه معنا داری وجود دارد. بر اساس نتایج به

* استادیار گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان

دست آمده می توان استنباط نمود که عزت نفس یکی از ویژگی های مثبت شخصیت و تابع خود پنداره هر فردی است، به طوری که خود پنداره مثبت همراه با عملکرد موفقیت آمیز موجب عزت نفس بالا می گردد.

واژه های کلیدی: خود پنداره، عزت نفس، دانشجویان خلاق و دانشجویان غیر خلاق



• مقدمه

یکی از عوامل مهمی که شخص را وا می دارد که به گونه ای مؤثر عمل نماید و در کارهایش جدیت و پشتکار داشته باشد، عزت نفس است. فردی که از عزت نفس پایین تری برخوردار است، خیلی راحت تر، از اهداف خود چشم پوشی کرده و بسیار آسان تر در جهتی که دیگران برای او بر می گزینند پا می گذارد (الیس^۱، ۱۹۸۹). در جامعه ای که افراد آن از عزت نفس و خود پنداره بالایی برخوردار باشند، در مقابل انواع استرس ها، فشارهای روانی، حوادث و مشکلات ناگهانی مقاوم و پایدار خواهند بود. نشانه های عزت نفس عبارتند از: تعهد و مسوولیت پذیری، توانایی برقراری ارتباط سالم، تسلط و کنترل بر افکار و احساسات، ادراک صحیح از واقعیت، احساس مفید بودن، هدفمندی و خود آگاهی (اسد الهی و موسوی، ۱۳۷۶).

از طرفی، خود پنداره نه تنها نقش فوق العاده ای بر عزت نفس دارد بلکه اهمیت زیادی هم، در بهداشت روان دارد. زیرا خود پنداره فرد از شخصیت خود، تعیین کننده تصور او راجع به محیطش می باشد. اگر تصور از خود، مثبت و متعادل باشد شخص دارای سلامت روانی است و اگر تصور از خود، منفی و نامتعادل باشد شخص از لحاظ روانی، سالم شناخته نمی شود (بیابانگرد، ۱۳۸۲). منظور از خود پنداره (مفهوم خود) نگرش، ادراک و برداشتی است که شخص از خود دارد. پایه اصلی این خود پنداره عبارت است از احساس فرد نسبت به اندام و بدن خود، تصور از کل بدن، جنسیت و سن (برونر، ۱۹۸۶). به عبارت دیگر خود پنداره، توصیفی است که فرد از خویش می نماید. اما عزت نفس عبارت از ارزشی است که اطلاعات درون خود پنداره، برای فرد دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی هایی که در او هست، ناشی می شود. تصویر یا پنداری که فرد از خود دارد، برای او جنبه حیاتی دارد. این

¹ - Alice

خود پنداره آموختنی است و هر چه را که فرد در باره خود می داند از تجارب گذشته او سرچشمه می گیرد که در میان آنها تجارب اجتماعی، اهمیت بیشتری دارد (بیابانگرد، ۱۳۸۲). این خود پنداره در اثر رابطه شخص با محیط دچار تغییر می شود. ناکامی های محیطی موجب خود پنداری منفی، و امکانات مثبت محیطی موجب خود پنداری مثبت در فرد می شود. خود ایده آل یا آرمانی مجموعه ویژگی هایی شخصی و شخصیتی است که ما دوست داریم واجد آنها باشیم و جنبه مثبت "خود" را تشکیل می دهد. مک آدامز^۱ (۱۹۸۴) خود پنداره را به معنای نگرش، شامل نام مشخص، نوع احساسات نسبت به اندام و بدن خود، تصور از کل بدن، جنسیت و سن می داند. او می گوید هسته مرکزی خود پنداره شامل خصوصیات دیگری نیز است که غیر مستقیم تر نمود دارند، مانند طبقه اجتماعی، اقتصادی، مذهب، پیشرفت های فردی و یا هر عامل دیگری که او را از دیگران جدا می سازد.

گرچه خود پنداره با عزت نفس معادل و مترادف گرفته می شود ولی در واقع این دو از همدیگر متمایز هستند. مفهوم "خود" همان عزت نفس نیست بلکه مجموعه ای از عقاید فرد در باره خود است که بیشتر بر مبنای توصیف و نه قضاوت در مورد خود است. اگر برای یک دانش آموز ممتاز بودن ارزش زیادی داشته باشد ولی او خودش را دانش آموزی متوسط یا ضعیف بداند او از پایین بودن عزت نفس خود رنج می برد. در واقع، درک و تصویری که فرد از خود دارد و مجموعه ارزش ها، نگرش ها و عقاید وی را در رابطه با محیط تشکیل می دهد، خود پنداره می نامند (پروین، ۱۳۷۲).

علاوه بر این، خود پنداره و عزت نفس را باید در رابطه فرد با جامعه اش بخصوص در دوران کودکی و نوجوانی جستجو نمود که تحت تأثیر رفتار و واکنش دیگران نسبت به فرد، مقایسه کردن تدریجی خود با دیگران، همانند سازی با الگو و شکل گیری خود ایده آل و بالاخره نیاز به احساس ارزشمندی و عزت نفس که لازمه سلامت روانی است، قرار می گیرد. اگر فرد نتواند احساس ارزشمندی و عزت نفس خود را به طور مناسب کسب نماید حقارت یا خود بزرگ بینی در او ایجاد می شود که این خود ناشی از طرد شدن مداوم از طرف والدین و دیگران است و قسمتی از ارزش های درونی او، احساس بی ارزشی نسبت به خود می باشد

¹ - McAdams

(برانبین و ناتانیل^۱، ۱۹۹۲، به نقل از محمدیون ۱۳۷۵). در اینجا عزت نفس به عنوان ارزشیابی از خود پنداره، مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این صورت عزت نفس در برگیرنده احساساتی نظیر خود پذیری، خود دوستی و احترام به خود است و بنابراین برای بالا بردن عزت نفس باید فاصله خود ادراک شده (خود پنداره) با خود ایده ال تعدیل شود تا فرد بتواند با توجه به توانایی های خود موفق شود و به عزت نفس بیشتری برسد.

اسنیدر^۲ (۱۹۷۴) برای توصیف ادراک فرد از ارزشگذاری دیگران در قبال خود، از اصطلاح "خود آینه ای"^۳ استفاده می‌کند. بنابراین کودکان به این جهت خودشان را خوب قلمداد می‌کنند که دیگران آنها را به عنوان خوب ارزشگذاری کرده اند و به این جهت خودشان را بد قلمداد می‌کنند که ارزشگذاری دیگران نسبت به آنها منفی بوده است. مفهوم خود مثبت، بیانگر این است که فرد خودش را به عنوان شخصی که دارای نقاط قوت است پذیرفته است و این موجب بالا رفتن اعتماد به نفس او در روابط اجتماعی می‌شود و عزت نفس او را افزایش می‌دهد. مفهوم خود منفی، منعکس کننده احساس بی ارزشی و فقدان احترام به خود و توانایی های خود است. خود پنداره یعنی ارزیابی کلی فرد از شخصیت خویش است. این ارزیابی ناشی از برداشتی است که معمولاً از ویژگی های رفتاری خود به عمل می‌آوریم در نتیجه مفهوم خود می‌تواند مثبت یا منفی باشد (لابویه و گیسلا^۴، ۱۹۹۸). کوپر اسمیت^۵ (۱۹۶۷)، چهار عامل را در تحول عزت نفس کودک مهم می‌داند:

الف: ارزشی که کودک از سوی دیگران از طریق ابراز مهر و محبت، تحسین و توجه دریافت می‌کند.

ب: تجربه همراه با موفقیت کودک، مقام یا موقعیتی که فرد خودش را در ارتباط با محیط می‌بیند.

ج: تعریف شخصی کودک از موفقیت یا شکست.

1- Brunben and Nataniel

2- Snider

3- Self-Mirror

4- Labouvie & Gisela

5- Cooper Smith

د: شیوه کودک در ارتباط با پسخوراند (باز خورد) منفی یا انتقاد (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷). در صورت اختلال در مفهوم خود، فرد در ادراک تصویر بدنی، درک عزت نفس و هویت شخصی خود ناتوان است.

در خلال فرایند اجتماعی شدن، کودک تصوراتی را، راجع به خودش شکل می دهد و به عنوان یک فرد مستقل اندیشه هایی را در سر می پروراند. مفهوم خود متشکل از اندیشه ها، احساسات، ارزش ها و عقاید فرد راجع به خودش است که نشأت گرفته از تکامل اجتماعی با دیگران است و بنابراین در تعیین روابط با دیگران سهم عمده ای دارد (نجاتی، ۱۳۷۱). کودکان از سال دوم زندگی به خود آگاهی دست می یابند و تقریباً در ۱۸ ماهگی چهره های خود را تشخیص می دهند و وقتی اسمشان را بگوئیم، تصویر خود را نشان می دهند. کودکان تا سن ۷ سالگی خود را بر حسب خصوصیات جسمانی مانند رنگ، مو، قد یا فعالیت های مورد علاقه شان توصیف می کنند. در اواسط دوران کودکی توصیف خود به شکل انتزاعی در می آید و در این موقع است که کودک بین ذهن و بدن تمایز قایل می شود. در نتیجه کودکان شروع به اندیشیدن درباره خود می کنند و تشخیص می دهند که می توانند افکارشان را کنترل کنند و دیگران را تحت تأثیر قرار دهند (دامون و هارت، ۱۹۸۲^۱ به نقل از یاسایی ۱۳۷۵).

تفاوت اصلی بین خود پنداره و عزت نفس در این است که: خود پنداره مجموعه ویژگی هایی است که فرد برای توصیف خویشتن به کار می برد. مثلاً ممکن است یک فرد خودش را یک فوتبالیست خوب، علاقه مند به داستان های علمی بداند که این دو محتوای خود پنداره را تشکیل می دهند. در حالی که عزت نفس ارزشی است که اطلاعات درون خود پنداره، برای فرد وارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی هایی که در او هست ناشی می شود. عزت نفس هر فرد بر اساس ترکیبی از اطلاعات عینی در مورد خودش و ارزش های ذهنی که برای آن اطلاعات قائل است بنا نهاده می شود. می توان نحوه شکل گیری عزت نفس را از طریق تفکر در مورد ادراک شده^۲ و خود ایده آل^۳ مورد آزمایش قرار داد: خود ادراک شده همان خود پنداره است. یعنی در یک دیدگاه عینی در باره ی مهارت ها، صفات و

^۱ - Damon & Hart

^۲ - Perceives-Self

^۳ - Ideal-Self

ویژگی هایی که در یک فرد وجود دارد یا فرد فاقد آنهاست. خود ایده آل عبارت است از تصویری است که هر فرد دوست دارد از خود داشته باشد. تعادل و موازنه بین خود ادراک شده و خود ایده آل موجب عزت نفس بالا می شود. به عبارت دیگر، "خود پنداره" درکی است که فرد از خود دارد. اما این درک، توصیفی است و نه توأم با قضاوت، لذا هنگامی که میزانی از قضاوت های ارزشی این توصیف را در بر می گیرد با میزانی از "عزت نفس" روبرو هستیم. اما در هر صورت، عزت نفس می تواند با خود پنداره همبستگی داشته باشد: افرادی که خود پنداره مثبت دارند از عزت نفس بیشتری برخوردار خواهند بود (ماسن و همکاران ۱۹۸۲ به نقل از یاسایی ۱۳۷۵). عزت نفس درجه تصویب یا تأیید، پذیرش و ارزشی است که شخص نسبت به خود یا خویشتن احساس می کند. این احساس ممکن است در مقایسه با دیگران و یا مستقل از آنان باشد. احساس ارزش نسبت به خود، همانند خود پنداره یک هسته مرکزی ثابت دارد که همراه با یک سلسله احساس ارزش های پیرامون، یک منظومه را تشکیل می دهد. هرچقدر خود ایده آل با خود و یا خویشتن فرد نزدیک تر باشد، عزت نفس بیشتر و شخصیت متعادل تر است (باراک و جاکوب،^۱ ۱۹۹۸).

در تعیین چگونگی تأثیر خود پنداره و عزت نفس بر عامل خلاقیت در گروه های مختلف اجتماعی از جمله دانشجویان تاکنون تحقیقات زیادی در ایران صورت نگرفته، به همین علت پژوهش فوق در صدد تبیین این موضوع است. آنچه قابل تأمل است اینکه خود پنداره می تواند با عزت نفس رابطه داشته باشد و آن هم بر صفات دیگری همچون: اراده، اعتماد به نفس، قدرت تصمیم گیری، خلاقیت و ابتکار، رشد فکری، بهداشت روان و کارایی فرد در اشتغال و تحصیل اثر گذارد. کوپراسمیت (۱۹۶۷) در پژوهشی که درباره ارتباط بین آفرینندگی و عزت نفس انجام داد متوجه شد که گروه هایی که دارای سطح بالای عزت نفس هستند در غالب آزمون ها، آفریننده تر و خلاق تر هستند و گروه هایی که سطح عزت نفس در آنها پایین است از خلاقیت کمتری برخوردارند. همچنین نتایج پژوهش دیگری در همین زمینه نشان داد افرادی که نسبت به خود اطمینان دارند، بیشتر به دنبال راه حل های تازه برای مسائل می باشند (رایت، فوکس و ناپ،^۲ ۱۹۷۵).

¹ - Baruck & Jacob

² - Wright, Fox & Noppe

شاکلا و سینها^۱ (۱۹۹۳) در پژوهشی به نام عزت نفس ضرورتی برای خلاقیت و آفرینندگی دریافتند که عزت نفس و حرمت خود به گونه ای معنادار با توانایی های آفرینندگی ارتباط دارد. همچنین در پژوهشی میلگرام^۲ (۱۹۷۶) دریافت که ارتباط مثبتی بین خود پنداره و خلاقیت در دانش آموزان موجود است. مک دوگال^۳ (۱۹۹۳) معتقد است از جمله عوامل مهمی که موجب رشد خلاقیت در فرد می شود، سلامت روانی شخصیت فرد است و به سهم عوامل محیطی، خارجی و عوامل درونی در رشد خلاقیت اشاره می کند. از جمله عوامل درونی مرتبط با این موضوع هویت جنسی است. در تحقیقی با عنوان خلاقیت و عزت نفس، رابطه بین این دو متغیر در میان دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که نمرات عزت نفس و خلاقیت رابطه مثبتی با هم دارند (گلد اسمیت و ماترلی،^۴ ۱۹۸۷).

گیلفورد (۱۹۵۰) معتقد است خلاقیت مجموعه ای از توانایی ها و خصیصه هاست که موجب تفکر خلاق می شود. او به دو نوع تفکر همگرا و تفکر واگرا معتقد است: تفکر همگرا منجر به تفکر منطقی می شود، زیرا به دنبال یک جواب صحیح می گردد اما تفکر واگرا منجر به تفکر خلاق می شود زیرا به راه حل های مختلفی برای یک مسئله توجه می نماید. از خصوصیات تفکر واگرا: اصالت^۵ (ابتکار)، سیالی^۶، انعطاف پذیری^۷ و بسط^۸ می باشد. در پژوهش مک کینون^۹ (۱۹۶۲) در مورد بررسی نگرش افراد خلاق به خود به این نتیجه می رسد که آنها در پاسخ به پرسشنامه صفات گوف^{۱۰} تصویر مثبتی از خویش داشته اند.

به نظر اریکسون نتیجه ی حل موفقیت آمیز بحران هویت، اعتماد به نفس بالا و خود پنداره مثبت است. یک حس قوی به میزان زیادی با خود پنداره بالا و اعتقادات مثبت در مورد خود ارتباط دارد. مارسیا (۱۹۶۴) در نهمین پژوهشی که انجام داد متوجه شد بین اندازه گیری های

1- Shuklu & Sinha

2- Milgram

3- McDougall

4- Gold Smith & Matherly

5- Originality

6- Fluency

7- Flexibility

8- Elaboration

9- Mackinnoh

10- Gough

مربوط به هویت خود و اندازه گیری های مربوط به عزت نفس به طور معناداری رابطه ای مثبت وجود دارد. راسموسن^۱ (۱۹۶۴) ضمن انجام پژوهشی نتیجه می گیرد که رابطه مثبتی بین هویت خود بالا، خود پنداره مثبت و پذیرش خود وجود دارد. نتایج تحقیق سهرابی و البرزی (۱۳۸۱) نشان داد که میان نمره کل آزمون خلاقیت با خود پنداره واقعی و ایده آل همبستگی معناداری وجود دارد.

بدین ترتیب، هدف پژوهش حاضر این است که رابطه خود پنداره و عزت نفس را با خلاقیت بررسی نماید. با توجه به مباحث نظری و یافته های پژوهشی فوق، سه فرضیه ذیل ارائه شدند:

- ۱- دانشجویان خلاق در مقایسه با دانشجویان غیر خلاق، از خود پنداره ی بالاتری برخوردارند.
- ۲- دانشجویان خلاق در مقایسه با دانشجویان غیر خلاق، از عزت نفس بالاتری برخوردارند.
- ۳- رابطه معناداری بین خود پنداره و عزت نفس در دانشجویان خلاق و دانشجویان غیر خلاق وجود دارد.

• روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز تشکیل داده اند. نمونه تحقیق شامل ۱۰۰ نفر دانشجویان از بین دانشجویان کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز بودند که به طریق جدول اعداد تصادفی از بین گرایش های مختلف انتخاب شدند.

ابزار سنجش: در این تحقیق، از سه ابزار استفاده شد: ۱- آزمون خلاقیت عابدی جهت تمایز دانشجویان خلاق از غیر خلاق. این آزمون شامل ۶۰ سؤال می باشد که چهار بعد سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط را در یک مقیاس چهار گزینه ای مورد ارزیابی قرار می دهد. پایایی آزمون از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ توسط سهرابی (۱۳۸۱) به دست آمده و روایی آن از طریق همبستگی زیر آزمون ها با نمره کل احراز گردید. ۲- آزمون خود پنداره

¹ - Rasmussen

راجرز جهت سنجش متغیر خود پنداره دانشجویان. این آزمون شامل دو پرسشنامه است که خود پنداره فرد را در دو موقعیت واقعی و ایده آل مورد سنجش قرار می دهد. و بر اساس یک مقیاس ۷ گزینه ای به روش لیکرت از نمرات ۱ تا ۷ مورد ارزیابی قرار می گیرد. در مجموع، جمع جبری نمرات اگر پایین تر از ۷ باشد بیانگر خود پنداره بالا و اگر بیشتر از ۷ باشد بیانگر خود پنداره ضعیف ارزیابی می گردد. روایی آزمون قبلاً احراز شده است و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ توسط سهرابی و البرزی (۱۳۸۱) به دست آمد. ۳-آزمون عزت نفس کوپر اسمیت جهت سنجش میزان عزت نفس دانشجویان. این آزمون از ۵۸ گویه تشکیل شده که ۸ ماده ی آن دروغ سنج و ۵۰ ماده ی دیگر در مجموع ۴ خرده مقیاس عزت نفس کلی، عزت نفس اجتماعی، عزت نفس خانوادگی و عزت نفس تحصیلی را می سنجد. و پاسخ های آن به دو صورت بلی خیر (نمره ۰ و ۱) تصحیح می شود. چنانچه پاسخ دهنده از ۸ ماده ی دروغ سنج بیش از ۴ نمره بیاورد، بدان معنی است که اعتبار آزمون پایین است و آزمودنی سعی کرده است خود را بهتر از آن چیزی که هست جلوه دهد. نقطه برش آن ۲۱ و روایی و پایایی آن احراز شده است (بیابانگرد، ۱۳۷۳).

روش های آماری: داده ها از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از شاخص های آمار توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و شاخص های آمار استنباطی t مستقل و F تحلیل واریانس چند متغیری و ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی نتایج استفاده گردید.

• نتایج

میانگین و انحراف استاندارد نمرات خود پنداره و عزت نفس به تفکیک گروه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین دو گروه دانشجویان خلاق و غیر خلاق در متغیر های خود پنداره و عزت نفس

دانشجویان غیر خلاق		دانشجویان خلاق		گروه متغیر
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۴/۷۲	۹/۷	۳/۱۲	۷/۳۶	خود پنداره
۵/۷۴	۳۴/۱۱	۵/۸	۳۷/۹۴	عزت نفس

به منظور مقایسه دو گروه دانشجویان خلاق و غیر خلاق در متغیر های خود پنداره و عزت نفس از تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری تأثیر عضویت گروهی بر متغیر های وابسته (خود پنداره و عزت نفس) در جدول ۲ ارائه شده است. همان گونه که نتایج این جدول نشان می دهد تفاوت معناداری بین این دو گروه در هر دو متغیر وجود دارد ($P < 0/001$). میزان این تفاوت ۰/۵۹ می باشد. یعنی ۵۹ درصد واریانس نمرات خود پنداره و عزت نفس مربوط به عضویت گروهی است. توان آماری در متغیر اول ۰/۶۷ و در متغیر دوم ۰/۷۸ است که تقریباً قابل قبول است.

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری در دو گروه دانشجویان خلاق و غیر خلاق

متغیرهای وابسته	مجموع مجذورها	درجه آزادی	ضریب F	سطح معناداری	میزان تفاوت	توان آماری
خود پنداره	۹۵/۵۸	۱	۵/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۵۹	۰/۶۷
عزت نفس	۲۵۶/۵۱	۱	۷/۶۸	۰/۰۰۰	۰/۵۹	۰/۷۸

به منظور مقایسه جداگانه نمرات میانگین خود پنداره و عزت نفس در هر دو گروه از آزمون t برای دو گروه مستقل استفاده گردید. نتایج نمرات میانگین ها در جدول ۳ ارائه شده است. همان گونه که نتایج این جدول نشان می دهد تفاوت معناداری بین میانگین این دو گروه در هر دو متغیر وجود دارد ($P < 0/017$, $P < 0/007$). میزان این تفاوت به ترتیب برای خود پنداره ۲/۳۳ و برای عزت نفس ۳/۸ می باشد.

جدول ۳: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین خود پنداره و عزت نفس در دو گروه دانشجویان خلاق و غیر خلاق

شاخص ها متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	ضریب t	معناداری	میزان تفاوت
خود پنداره	۵۰	۷/۳۶	۳/۱	۹۸	۲/۴۴	۰/۰۱۷	۲/۳۳
عزت نفس	۵۰	۳۴/۱۱	۵/۸	۹۸	۲/۷۷	۰/۰۰۷	۳/۸

همچنین به منظور مقایسه میزان ارتباط خود پنداره و عزت نفس از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این ضریب برای هر دو گروه در جدول ۴ ارائه شده است. همان گونه که نتایج این جدول نشان می دهد در هر دو گروه، رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد به طوری که می توان از طریق خط رگرسیون نمرات متغیر خود پنداره، نمرات عزت نفس آنها را پیش بینی نمود ($r = -0/32$ ، $P < 0/03$ ؛ $r = 0/34$ ، $P < 0/05$).

جدول ۴: رابطه خود پنداره با عزت نفس دو گروه

گروه	متغیر پیش بین	متغیر ملاک	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دانشجویان خلاق	خود پنداره	عزت نفس	۵۰	۰ / ۳۴/۵	۰ / ۰۴۳
دانشجویان غیر خلاق	خود پنداره	عزت نفس	۵۰	-۰ / ۳۲	۰ / ۰۳

• بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه دو گروه دانشجویان خلاق و غیر خلاق در دو متغیر خود پنداره و عزت نفس بود تا از این رهگذر بتوان به چگونگی میزان ارتباط برخی از خصیصه های شخصیتی همچون: خود پنداره و عزت نفس و رابطه آنها با خصیصه خلاقیت و نوآوری، آگاهی یافت. نتایج آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش آشکار ساخت که دانشجویان خلاق در متغیر خود پنداره و عزت نفس به صورت معناداری با دانشجویان غیر خلاق تفاوت دارند. این یافته با نتایج پژوهش سهرابی و البترزی (۱۳۸۱)؛ گلد اسمیت و ماترلی (۱۹۸۷)؛ راسموسن (۱۹۶۴)؛ گوهری (۱۳۷۶) کوپراسمیت (۱۹۶۷) رایت، فوکس و ناپ (۱۹۷۵)؛ شاکلا و سینها (۱۹۹۳)؛ میلگرام (۱۹۷۶)؛ مک دوگال (۱۹۹۳) همخوانی دارد. با توجه به ویژگی های افراد خلاق: تعهد، کوشش، خود آگاهی، ابتکار، اعتماد به نفس، کنجکاوی، شجاعت و میل به ریسک پذیری، استقلال، سلامت روان، هوش انتزاعی بالا، استقلال و غیره می توان نتیجه گرفت که آنها دارای خود پنداره قوی و حس هویت شخصی بوده و همین به آنها مجال می دهد تا راه خود را مجدانه و مستقلانه بیمایند. این افراد من نیرومندی دارند و همین ارزیابی مثبت از خود

و عزت نفس بالا قدرت سازگاری بهتر و کشف بهتر محیط را به آنها می دهد. و قدرت مقابله با حوادث و ناکامی ها را بهتر پیدا می کنند. تحقیقات نشان می دهد که سه عامل عمده با خلاقیت در ارتباط می باشد: دانش، هوش و انگیزش (هیز، ۱۹۸۸ به نقل از سهرابی، ۱۳۸۱). فرصت های بروز خلاقیت و پذیرش افکار خلاقانه از سوی اجتماع منجر به ایجاد خود پنداره ی مثبت در فرد می گردد. خلاقیت بالاتر دید متفاوت را به صورتی برتر در فرد ایجاد می کند. بنابراین هر چه خلاقیت در فرد بیشتر شود، دید متمایز کردن خود از دیگران به صورتی مثبت و برتر ایجاد می شود و خود پنداره واقعی فرد را به خود پنداره ایده آل نزدیک تر می کند. همچنین نتایج آزمون t در مورد خود پنداره و عزت نفس دو گروه به طور جداگانه تفاوت معناداری را نشان داد که همسو با نتایج بالا می باشد.

در نهایت، نتایج آزمون آخرین فرضیه پژوهش به طور کلی همبستگی معناداری را بین متغیر خود پنداره و عزت نفس نشان داد. این نتایج با نتایج باراک و جاکوب (۱۹۹۸): ماسن و همکاران (۱۹۸۲): استانک (۱۹۷۲): الیس (۱۹۸۹): مارسیا (۱۹۶۶) هماهنگ است. از نتایج فوق می توان استنباط نمود که رابطه متقابلی بین این دو عامل وجود دارد یعنی، بین خود پنداره و عزت نفس عوامل مشترکی موجود است، به طوری که افرادی که خود پنداره ی مثبت دارند، از عزت نفس بیشتر برخوردار هستند و برعکس خود پنداره منفی عزت نفس را کاهش می دهد. همچنین همان گونه که نتایج پژوهش سوزا فلایت، رنزولی و وسبرگ^۱ (۲۰۰۲)، نشان می دهد، برنامه ها و راهبرد های پرورش خلاقیت دانش آموزان و دانشجویان می تواند، خود پنداره و عزت نفس آنان را بالا ببرد.

1. Souza Fleith, Renzulli & Westberg

منابع

- ۱- اسدالهی، قربانعلی و موسوی، سید غفور (۱۳۷۶). عزت نفس و سلامت روان. اصفهان: نشر ارکان.
- ۲- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲). روش های افزایش عزت نفس. چاپ هفتم. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۳- حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۴- سهرابی، نادره و البرزی، شهلا (۱۳۸۱). تاثیر میزان خلاقیت بر شکل گیری خود پنداره واقعی-ایده آل. اولین همایش استعداد های درخشان در ایران. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۵- گوهری، مسلم (۱۳۷۶). بررسی خود پنداره و منبع کنترل با خلاقیت در دانش آموزان پسر دوره تحصیلی راهنمایی مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- ۶- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۰). عواطف و هویت نوجوانان و جوانان. تهران: سازمان ملی جوانان.
- ۷- ماسن پاول، هنری؛ کیگال، جروم؛ هوستون آلتا، کارون و کانجر جال، جین (۱۳۷۵). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.
- ۸- و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: انتشارات نشر مرکز.
- ۹- محمدیون، صدیقه (۱۳۷۵). رابطه فقدان پدر با خویشتن پنداری در دانش آموزان شاهد و مقایسه آن با دانش آموزان غیر شاهد در مقطع مدارس شاهد گرگان و گنبد کاووس. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۰- نجاتی، حسین (۱۳۷۱). نقش پدر در خانواده. چاپ اول. تهران: چاپ ندا.
- ۱۱- هاشمی فشارکی، سید علی رضا (۱۳۸۰). تاثیر آموزش گروهی عزت نفس بر خود پنداری دانش آموزان پسر شاهد و غیر شاهد مقطع راهنمایی در شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه اصفهان.
- 12- Alice, M.; Pope, W. (1989). *Self-esteem enhancement with children and adolescents*. New York: Pergamon Press.

- 13- Burack, M. & Jacob, A. (1998). Cognitive and linguistic and social and emotional development and environment and family, children with mental retardation. *Hand book of mental retardation and development*. New York: Cambridge university perss.
- 14- Coopersmit, S. (1967). *The antecedents of self-esteem*. W. H. Freeman and company Sanfrancisco.
- 15- Guiford, J. P. (1964). *Basic problems in teaching for creativity*. University of Southern California.
- 16- Mackinnoh, D. w. (1962). *The nature and nurture of creative talent*. American Psychologis.
- 17- Milgram, R. M. (1989). *Teaching gifted and talented learners in regular classrooms*. Charless C. Thomas pub. USA.
- 18- Snider, M. (1974). Self-monitoring of expressive behavior. *Journal of Social Psychology*, 30(2), P. 526-534
- 19- Souza Fleith, D.; Renzulli, J. & Westberg, K.L. (2002). Effects of a Creativity Training Program on Divergent Thinking Abilities and Self-Concept in Monolingual and Bilingual Classrooms. *Creativity Research Journal*, 14(384), P. 373-386.
- 20- Stang, J. D. (1972). Conformity, ability and self-esteem. *Representative new search in social psychology*, 30(2).